

هله هول‌های روح

روح‌الله حبیبیان

مشهور است که می‌گویند همان‌طور که دهان دروازه جسم انسان محسوب می‌شود و ورودی‌های جسم از این راه اذن دخول می‌گیرند، گوش هم دروازه روح انسان است و هر آن‌چه بر روح انسان عرضه می‌شود در معنای دقیق و کاملش از طریق گوش وارد شده و بر روح انسان اثر می‌گذارد. شاید به همین دلیل دقت و توجه در خصوص شنیدنی‌ها بخصوص موسیقی که از مهم‌ترین ورودی‌های روح انسان است مورد توجه جدی در معارف دینی قرار گرفته است. با این اوصاف بر بیراه نیست و جا دارد که این مساله خاص موضوع دو شماره پرونده ویژه دیدار باشد.

ما هم در صفحه احکام علی‌رغم فشارهای زیاد اصناف و گروه‌ها و تشکلات و مجامع بین‌المللی و غیره برای طرح موضوعات مرتبط با کار و صنف خودشان که مدت‌هاست در نوبت هستند! به دلیل اهمیت مساله موسیقی در این شماره هم به برخی مسائل مربوط به این مورد می‌پردازیم؛ البته این امر هم جا دارد. زیرا با وجود ابزارهای رسانه‌ای و سرعت انتقال اطلاعات و فایل‌های صوتی و تصویری، یک جوان از همه جا بی‌خبر می‌تواند در سه سوت موسیقی‌های دهه ۳۰ و ۴۰ را هم حتی با دایال آپ هندی دانلود کند و این هله هول‌های خطرناک را به معده روحش بریزد. بی‌خبر از آن‌که این سموم خطرناک چه بر سر روح بی‌نوی او خواهد آورد.

در نتیجه پرداختن به این مساله و ارائه هشدارهای لازم در این مورد از هر مساله دیگری ضروری‌تر است.

استاد ما «دام‌ظله»

حالا که قدری از اصل بحث دور شدیم اجازه بدهید کمی پا در نعلین اساتید اخلاق هم بکنیم و این نکته را هم به عرض برسانیم که، حساسیت و توجه شریعت در هیچ مساله‌ای را نباید بی‌حکمت دانست و اگر در مواردی خاص از دین و شریعت، از خود حساسیت و دقت زیادی نشان داده باید بدانیم که خبری هست.

ممکن است برخی اثرات منفی موسیقی حرام را همانند هر گناه دیگری بدانند، اما دقت در روایات اهل‌بیت نشان می‌دهد که ظاهراً این تو بمیری از آن تو بمیری‌ها نیست!

البته همه گناهان زشت و خطرناک هستند و اثراتی منفی بر روح انسان می‌گذارند. اما چه‌بسا بسیاری از



مانندی که سرشار از کفریات و انحرافات فکری و اخلاقی است با ریتمی آرام حتی گاهی بدون آهنگ خوانده می‌شود که می‌تواند مصداق همین قسم از موسیقی‌های حرام باشد. ■

خوانندگی زن

یکی از عناوین دیگری که ممکن است به نوعی باعث حرام شدن شنیدن یک آواز یا موسیقی باشد؛ آن است که این آواز توسط خواننده زن خوانده شده باشد. در این صورت حتی اگر این موسیقی به خودی خود غنا یا لهنی و مطرب شناخته نشود، اما به فتوای برخی از مراجع شنیدن آن برای مردان نامحرم حرام محسوب می‌شود. در نتیجه حتی اگر یک زن، آواز یا حتی سرودی انقلابی می‌خواند طبق نظر این عده از مراجع شنیدن آن توسط مردان نامحرم حرام است.

البته این حساسیت در مورد جمع‌خوانی زنان کم‌تر است و معمولاً جمع‌خوانی حکم تک‌خوانی را ندارد. حال چه این جمع متشکل از زنان و مردان باشد یا همه افراد گروه کر یا خواننده‌های ارکستر زن باشند.

اما مراجع دیگر تک‌خوانی زن را در مواردی که غنا نبوده و موسیقی لهنی و مطرب محسوب نشود و همچنین باعث مفاسد دیگر مانند تحریک شهوانی و... نشود را به خودی خود جایز دانسته و شنیدن آن توسط مردان نامحرم را حرام نمی‌دانند. ■

شنیدن کی بود مانند...

از نظر لغوی واژه «گوش دادن» با «شنیدن» دارای تفاوت‌هایی است. در واقع هر چند عرفاً این دو واژه مترادف با هم به کار می‌روند، اما در حقیقت گوش دادن به نوعی از ادراک صوت گفته می‌شود که همراه با قصد و اراده و توجه باشد و انسان تا حدودی بر روی مضمون و محتوا تمرکز داشته باشد. برخلاف شنیدن که نوعی دریافت غیر اختیاری اصوات و بدون توجه و اراده است.

فرض کنید فردی نواری را از بین نوارهایش انتخاب کرده و در ضبط صوت می‌گذارد و ضبط‌صوت را هم روشن می‌کند. این فرد قصد گوش دادن به این صدا را دارد. اما اگر فردی در حال پیدا کردن موج خاصی از رادیو به حرکت پیچ جستجوی کانال مشغول است این فرد در خلال پیدا کردن موج مورد نظر چه بسا صداهای گوناگون و موسیقی‌ها و آوازهای مختلفی به گوشش بخورد اما توجهی نسبت به آن ندارد. این نوع دوم «شنیدن» محسوب می‌شود.

طبق نظر برخی از مراجع حرمت غنا و موسیقی مطرب، مربوط به گوش دادن آن است نه شنیدن آن.^{۲۰} در نتیجه در موارد اتفاقی و بی‌اختیار مانند همین مورد رادیو یا در وضعیتی که انسان در محیط خاصی قرار گرفته و صدای ضعیفی هم از آهنگ حرام به گوش می‌رسد و به هیچ شکل امکان جلوگیری از آن نیست، انسان اگر بتواند توجه خود را از آن نغمه منصرف کند و به آن گوش ندهد مرتکب حرام نشده، هر چند ناخواسته آن موسیقی را بشنود. البته این مسأله به این سادگی نیست و به‌علاوه راهکاری برای شرایط خاص و اضطراری است. ■

تا «هم فیها خالدون» حرام

با توجه به آنچه در این دو شماره بیان شد می‌توان به این جمع‌بندی رسید که انواع

گناهان با توبه بخشیده شده و کلک‌شان کنده شود. ولی برخی گناهان علاوه بر تأثیرات منفی که به‌خاطر معصیت‌شان دارند، اثرات ویژه‌ای بر روح انسان می‌گذارند که معلوم نیست بعد از توبه و بخشش اصل گناه هم این اثرات به این راحتی‌ها برطرف گردد.

حضرت امام خمینی^{۲۱} در کتاب چهل حدیث خود بعد از پرداختن به اهمیت مسأله عزم و اراده در حرکت به سوی کمال و تهذیب نفس و انسانیت می‌فرماید:

«ای عزیز، بکوش تا صاحب عزم و دارای اراده شوی که خدای نخواست اگر بی‌عزم از این دنیا هجرت کنی، انسان صوری بی‌مغزی هستی که در آن عالم به صورت انسان محسوس نشوی. زیرا آن عالم محل کشف باطن و ظهور سریره است. و جرأت بر معاصی کم‌کم انسان را بی‌عزم می‌کند و این جوهر شریف را از انسان می‌رباید. استاد معظم ما، دام‌ظله، می‌فرمودند بیش‌تر از هر چه؛ گوش کردن به تغنیات سلب اراده و عزم از انسان می‌کند.»^{۲۲}

منظور امام از استادشان مرحوم شاه آبادی^{۲۳} است و دیگر تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. ■

موسیقی با افزودنی‌های غیر مجاز

در شماره قبل، دو عنوان که باعث حرمت موسیقی می‌شد را عرض کردیم که عبارت بود از غنا و موسیقی مطرب. اما عنوان دیگری که ممکن است باعث حرمت یک موسیقی یا آواز شود، بیش از لحن و شکل خواندن و نواختن، به محتوایی که در این میان بیان می‌شود برمی‌گردد. در واقع چه بسا یک موسیقی به خودی خود به شکل غنایی خوانده نشود یا در حالت عادی مطرب نباشد. اما محتوای اشعار یا مطالبی که در آن خوانده می‌شود شامل مطالب غیر دینی یا غیر اخلاقی باشد. چیزی که در بسیاری از ترانه‌های لب‌حوضی قدیمی به وفور یافت می‌شد و حتی اگر غزل حافظ هم در آن خوانده می‌شد منظور از ساقی و شراب و شاهد نه معنای عرفانی و باطنی آن‌ها که همان معانی جلف ظاهری بود.

البته در اکثریت موارد، این اشعار و مزخرفات در موسیقی‌های لهنی و مطرب و به شکل غنایی خوانده می‌شود. اما در مواردی هم دیده می‌شود که این‌گونه نیست. به عنوان مثال در برخی از برنامه‌های گروه‌های منحرفی همچون شیطان‌پرستان، قطعه‌های دکلمه



موسیقی‌های مجالس خوش‌گذرانی و عیاشی که همان موسیقی لهری و مطرب نامیده می‌شود و همچنین آواز و موسیقی که با شکل و نوع خاص خوانندگی که حالت غنا نام دارد اجرا می‌شود و یا قطعه‌هایی که دارای مضامین نادرست و ضد دینی و انحرافی هستند، از مصادیق یقینی موسیقی حرام محسوب می‌شوند که خواندن و شنیدن آن حرام، بلکه از بزرگ‌ترین گناهان به حساب می‌آید.

به‌علاوه وقتی این عمل حرام شد همه بند و بیلش هم داخل جهنم می‌شود و به قول طلبه‌ها تا «هم فیها خالدون» ش هم حرام می‌شود! یعنی اگر این نوع موسیقی‌ها حرام شد خرید و فروش نوارها و سی‌دی‌های حاوی آن هم حرام است و حتی گرفتن اجرت در برابر تکثیر این نوارها و سی‌دی‌ها هم همین حکم را دارد.

حتی اگر فردی در وبلاگ خودش لینک این موسیقی‌ها را بگذارد و به نوعی ترویج و تبلیغ آن‌ها را انجام دهد یا زمینه گوش دادن دیگران به این موسیقی‌ها را فراهم کند باز هم مرتکب کار حرامی شده و خود را آلوده کرده است.

خلاصه کلام آن که باید به معنای واقعی کلمه از این معضل که به نوعی اپیدمی شده و تمام زندگی ما را در بر گرفته پرهیز کرد و به دیگران هم نسبت به آلودگی به آن هشدار داد.

صداهای مشکوک

سوال مهمی که برای خیلی‌ها وجود دارد آن است که تکلیف انسان در وقت شنیدن صداها یا آهنگ‌هایی که در حلال یا حرام بودنشان یقینی نیست، از چه قرار است؟ چون زیاد پیش می‌آید که انسان از رادیو یا تلویزیون یا در ماشین سواری و... در معرض شنیدن آهنگی قرار می‌گیرد که شک می‌کند این آهنگ مطرب و حرام است یا خیر؟!

در این وضعیت طبق نظر اکثر مراجع شنیدن آن جایز است! زیرا اصل بر حلال بودن است مگر آن که خلافش ثابت شود و فعلاً هم دلیلی بر غنا یا مطرب بودن این موسیقی نداریم.

البته فراموش نشود که این مساله منوط بر آن است که انسان مرزهای دقیق حرمت را بداند و تردیدش ناشی از جهل به حکم مساله نباشد. در نتیجه اگر در اتوبوس قطعه‌ای در حال پخش بود که تردید دارید مصداق موسیقی مطرب یا غنا هست یا خیر، طبق نظر اکثر مراجع می‌توانید آن را حرام ندانید.

اما اگر تشخیص دادید که این آهنگ مطرب و لهری است یا بنا بر نظر مرجع شما لازم بود احتیاط کنید و به آن موسیقی گوش ندهید، تنها در صورتی می‌تواند دیگران را از شنیدن این آهنگ منع کنید که حرام بودن این مورد کاملاً قطعی و روشن باشد و یا بدانید آن‌ها هم در حکم شرعی مثل شما هستند.

ناگفته نماند که این دقت‌ها معمولاً در جمع مذهبی‌ها و اهل رعایت مسائل شرعی مطرح است نه در جمع‌هایی که همه چیز حلال است و فقط باید دلت پاک باشد!! که در این موارد باید با نهی از منکر و تذکر و جدیت، جلوی این منکر گرفته شود؛ یا این که انسان محیط را ترک کند.

جان مادرت خاموشش کن!

نکته بسیار ضروری که لازم است در این‌جا بیان شود، آن که در امر به معروف و نهی از منکر شرایط و نکات دقیق و حساب شده‌ای وجود دارد و نمی‌توان به مجرد آن که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر پیدا شد، انجام هر کاری را به هر شکل ممکن و به هر قیمتی جایز دانست.

البته امر به معروف، امر است نه خواهش و تمناً نیست که ما با عذرخواهی و شرمندگی از کسی که مشغول گناه است عاجزانه بخواهیم قدری صدای نوارش را کم‌تر کند. بلکه باید از موضع قدرت و با جدیت از انجام گناه جلوگیری کرد. اما در عین حال می‌توان احترام و شخصیت و آبروی دیگران را هم محترم دانست و با لحنی دوستانه و مؤدبانه جلوی این کار حرام را گرفت و مشکل را حل کرد. زیرا هدف اصلی جلوگیری از گناه است؛ نه ایستادن جلوی خطاکاران و درگیر شدن با آن‌ها.

به علاوه در بسیاری از موارد این افراد، واقعاً با ابتدائیات مسائل دینی بیگانه هستند و هیچ آشنایی با حرام و حلال و غنا و مطرب و... ندارند و در ماشین‌شان هم نوار فلان خواننده زن پیدا می‌شود و هم نوار کویتی‌پور و مرحوم کافی! در نتیجه باید به بهترین شکل جلوی این کار حرام گرفته شود و همچنین زمینه آشنایی این افراد با احکام دینی هم فراهم شود.

خوب است انسان از قبل خودش را برای این موقعیت‌ها آماده کند و ببیند در هر مورد خاصی با چه بیان و تعبیری نهی از منکر کند تا اثر بیش‌تری داشته باشد.

دوستی می‌گفت دیدم جوانی در ماشینش موسیقی تند و حرامی را با صدای بلند پخش می‌کند، جلو رفتم و با لبخند گفتم: «داداش! این نوارا برای قلبت ضرر داره؛ یه چیز بهتر گوش کن»!

یک تذکر مهم

کسانی که اهل تأمل در مسائل شرعی هستند و به اصطلاح اهل بخیه محسوب می‌شوند، می‌دانند که مساله غنا و موسیقی از آن دست مسائل خاص است که اختلاف نظر در آن زیاد بوده و فقها و مراجع هم در تعریف دقیق موسیقی حلال و حرام و هم در تبیین مصادیق آن اختلافات بسیاری دارند. آن‌چه ما در این نوشتار بیان کردیم نوعی جمع‌بندی و تحلیل آزاد از موضوعات این بحث بود که چه بسا با تفسیر و نظرات خاص برخی مراجع منطبق نباشد. به همین خاطر هر یک از خوانندگان محترم برای تشخیص دقیق و کامل نظرات مرجع تقلیدشان در مورد این مسائل لازم است به منابع فقهی و استفتائی ایشان مراجعه نماید و به بهانه این دو صفحه هرچه دلش خواست گوش ندهد و گناهِش را به گردن باریک‌تر از موی ما بیندازد!!

۱. امام خمینی، چهل حدیث، حدیث

۲. استفتاءات مقام معظم رهبری، مساله ۱۱۶۰.